

گفت‌وگویی «وطن امروز» با حمیدرضا آصفی درباره نامه برخی سیاستمداران داخلی و ضدانقلاب خارجی برای مذاکره مجدد با آمریکا



مذاکره با ترامپ؟! اصلا فکرش را نکنید!

صفحه ۲

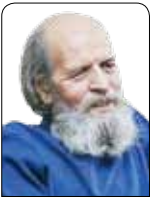
دوشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۷ ■ ۴ شوال ۱۴۳۹ ■ ۱۸ ژوئن ۲۰۱۸ ■ سال دهم ■ شماره ۲۴۶۲ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

ام‌الله احمدجو: ۳۷ قسمت از سریال نوشته شده و میریاضی لوکیشن‌های خوبی در خراسان و کرمان دیده است



جزئیات تازه از سریال سلمان فارسی

صفحه ۱۳

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.10 ■ No.2463 ■ Mon.Jun.18, 2018 ■ ISSN:2008-2886

۱۱۷۹ سال و ۲۰۳ روز گذشت

تیتربهای امروز

نگاهی به حاشیه‌های این روزهای بزرگ‌ترین وزارتخانه کشور در گفت‌وگویی «وطن امروز» با معاون سابق وزارت آموزش و پرورش

آموزش و پرورش اولویت آخر دولت

■ سحر خیز: گزینش معلمان باید جدی باشد
■ ارزیابی سالانه از حالت کاغذبازی خارج شود

صفحه ۴

ثبت رکورد تاریخی در بازار سرمایه شاخص کل ۱۰۲ هزار واحدی شد

بمب نقدینگی در بورس ترکید

صفحه ۲

جنبه‌های دیگر بازی ایران و مراکش

واقع‌گرا باشیم

صفحه ۱۴

انتقاد کارشناسان از سیاست‌های نادرست و ناکارآمد ارزی دولت

تورم دولتی با تورم مردمی فرق دارد!

صفحه ۱۶

گفت‌وگویی «وطن امروز» با محمدعلی جعفری نویسنده کتاب «قصه دلبری»



پا بر زمین و سر در آسمان

صفحه ۱۳

دیدگاه

خواستش گفتگمانی از مناقشات امر جنسی در ایران

امر جنسی آموزش یا تربیت؟

■ ابوالفضل اقبالی

غرایز انسان یکی از ابعاد وجودی او هستند که هر کدام به نوبه خود سهمی در تعیین‌کنندگی رفتارهای اجتماعی انسان دارند. از جمله این غرایز بشری، میل جنسی است. نهاد ازدواج در طول تاریخ اساسا مبتنی بر همین میل شکل گرفته و در بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از جمله تجاوز، قتل، نزاع‌های طایفه‌ای و... ردپای این غریزه مهم قابل مشاهده است. دایره تأثیر و تأثر متقابل میان امر جنسی و تعاملات اجتماعی افراد به قدری گسترده است که امروز در ادبیات علوم اجتماعی، مفهومی تحت عنوان «فرهنگ جنسی» یا به میان نهاده است. (Fisher, ۱۹۸۲:۷۵). این مفهوم ناظر به پیوند میان زیست جهان و امر جنسی است که از استعاره‌های جنسی در زبان و فرهنگ عامه تا سوسوم‌های ارویتیک منطق بازرگانی در نظام سرمایه‌داری را شامل می‌شود.

به نظر می‌رسد یکی از مختصات جامعه مدرن، جنسی شدن زیست جهان افراد است. گسترش عناصر و دلالت‌های جنسی در ساخت نمادین فرهنگ و وجوه عینی سبک زندگی انسان امروزی از جمله نشانه‌های چنین واقعیتی است. پیرامون امر جنسی در جامعه ایرانی، ۲ گفتگمان عمده وجود دارد. گفتگمانی که بر محور «آموزش جنسی» شکل گرفته و رویکردی تقلیل‌گرایانه به مسائل جنسی دارد و گفتگمانی که بر محور «تربیت جنسی» شکل گرفته و امر جنسی را در شبکه‌ای از عناصر زیستی و فرهنگی مطالعه می‌کند. عرضه عمومی متاخر مناقشات گفتگمانی این دو رویکرد، سند ۲۰۳۰ بود. گفتگمان اول با این اعتقاد که آموزش جنسی به کودکان و نوجوانان در مدارس... به کاهش آسیب‌های رفتاری و اجتماعی در آینده منجر می‌شود، از اجرای این سند حمایت می‌کند و گفتگمان دوم با این استدلال که آموزش جنسی به کودکان و نوجوان آن هم در فضای مدارس... دقیقاً به نقض غرض می‌انجامد و با افزایش گرایش به تحریک و تجربه امر جنسی ختم می‌شود، موضع مخالفی در این زمینه اتخاذ کرد. این نوشتار قصد بررسی سند ۲۰۳۰ از زبانی مؤلفان و مخالفان این سند را ندارد، بلکه صرفاً قصد دارد عناصر محوری این دو گفتگمان عمده پیرامون امر جنسی را بازخوانی کند.

ادامه در صفحه ۵

نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با «وطن امروز» از حضور شکارچیان آمریکایی در مناطق «شکار ممنوع» استان خراسان رضوی ابراز نگرانی کردند

یانکی‌ها در نیشابور

صفحه ۲



کره جنوبی اعلام کرد

ادامه تمرین‌های نظامی با آمریکا

صفحه ۱۵

جنایت جنگی ائتلاف سعودی در یمن

بمباران بیمارستان الحدیده

صفحه ۱۵

«توقعات» را چه کسی و چگونه ایجاد می‌کند؟

■ میکائیل دبانی

است و مسؤولان می‌توانند با رعایت همین نکته این شکاف را ترمیم کنند.

این همان چیزی است که شهید بهشتی در همان سال‌های ابتدای تأسیس حکومت می‌گویند: «کسانی که خواهان خدمت در سمت زمامداری هستند، وضعیتشان از نظر سطح زندگی را روشن کنند؛ اگر آماده هستند در سطح کم‌درآمدترین مردم زندگی کنند در این راه گام بردارند اگر نه، نا!» این رسانه‌ها نیستند که این واقعیت‌ها و توقعات را ایجاد می‌کنند، بلکه واقعیات زندگی مسؤولان است که این توقع را در جامعه ایجاد می‌کند و حال باید از جناب روحانی سوال کرد: آیا واقعیت زندگی شما تناسبی با زندگی کم‌درآمدترین مردم جامعه دارد؟! آیا حتی تلاش کرده‌اید در هنگام مسئولیت - اگر چه در این ۴۰ سال شما همواره مسؤول بوده‌اید - خود را شبیه مردم کم‌درآمد جامعه بکنید؟ هر دو جواب منفی است، این البته محدود به جناب روحانی نیست، بلکه کابینه اساسا سطحی خارج از عرف متوسط جامعه و حتی بعضا با فاصله بسیار از مرهقین دارد، چه رسد به نزدیکی برای جامعه نیز فراهم کند. مردم هر جامعه‌ای در هر سطحی که باشند، زندگی خود را ضریبی از زندگی و رفاه «مسؤول» و «کارگزار» جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند می‌دانند و به قدر نزدیکی و دوری از آن سطح زندگی، حس رضایت از زندگی یا ناراضی و حسرت از زندگی برای‌شان ایجاد می‌شود.

این حس درست است، به واسطه آنکه برای مردم جاافتاده است که «مسؤول» به واسطه مسؤولیتی که در قبال جامعه‌اش دارد، کم‌پرخوردارتر از دیگران است. این البته دستوری است که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به حاکمان اسلامی داده‌اند. ایشان در خطبه ۲۰۹ نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَىٰ أُمَّتِهِ الْإِحْقَاقَ الْعَدْلَ أَنْ يَقْدَرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضِعْفِ النَّاسِ، كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْقَفْقِيرِ قَفْرَهُ». بدان معنا که «خودان متعال بر حاکمان، اینگونه مقدر فرموده که زندگی خود را به مانند ضعیفان جامعه در آورند تا مبادا رنج فقر، فقیران را به طغیان اندازد». به عبارت دیگر حاکمان اگر نمی‌توانند آن «امکانات» و سطح رفاهی قابل توجه خودشان را برای مردم فراهم کنند، سطح کیفیت زندگی خودشان را تقلیل دهند که برای مردم فاصله امکانات خودشان با مسؤولان و مدیران جامعه، توقعات کمتری برای‌شان ایجاد کند این شاید یکی از راهبردی‌ترین نظریه‌های اجتماعی در حوزه عدالت اجتماعی باشد بویژه در جامعه‌ای که شکاف طبقاتی در آن یک مسأله بسیار مهم شده

ادامه در صفحه ۵



گزارش «وطن امروز» از جنگ روانی ریاض و ابوظبی پس از شکست در محورهای نظامی و سیاسی در یمن

رسانه، آخرین کارت نبرد الحدیده

فرشاد گلزاری: بحران یمن طی سال‌های گذشته با فراز و فرودهای گوناگون و البته بسیار پیچیده‌ای روبه‌رو بود که همچنان این روند در ابعاد گوناگون نظامی، امنیتی، اقتصادی و سیاسی به عنوان ستون فقرات اعمال فشار بر انصارالله قابل مشاهده است. اگر بخواهیم مشابه پرونده یمن در قرن حاضر را مثال بنیم باید لشکرکشی ایالات متحده به عراق را به عنوان مصداق عملی مورد اشاره قرار دهیم. زمانی که واشنگتن با سناریوی شناسایی و احیای سلاح‌های کشتار جمعی در عراق وارد این کشور شد، تدارک خود برای این پروژه را بنا بر عرف نظام بین‌الملل و همچنین استراتژی‌های نظامی بر ۲ عنصر سیاسی و میدانی پایه گذاشت. درست است اقدام نظامی آمریکا در افغانستان و عراق بدون هیچگونه مجوزی از سوی سازمان ملل انجام شد و همگان تا به امروز بر این باورند ایالات متحده تنها با استفاده از عنصر سخت و مجموعه سناریوهای اطلاعاتی به همراه همکاری‌های منطقه‌ای موفق به ساقط کردن صدام شد اما واقعیت این است که بخشی از این پروژه چندضلعی با بهره‌گیری از «توپخانه رسانه‌ای و مطبوعات» محقق شد.

اگر کمی ریزتر و تخصصی‌تر به پرونده عراق نگاه کنیم، داده‌هایی وجود دارد که اثبات می‌کند آنچه در ۶ ماه اول حمله ایالات متحده به بغداد باعث شد افکار عمومی این کشور و جامعه جهانی، آمریکا را پیروز این پرونده بدانند، تنها بازی رسانه‌ای بود. گزارش‌های موجود حاکی از آن است که در ۶ ماه نخست این تجاوز عظیم نظامی، چیزی حدود ۶۰۰ تا ۸۰۰ نظامی آمریکایی بر اثر عملیات القاعده عراق (به رهبری ابومصعب الزرقاوی) که بنده آن را بعضی‌های ارتش عراق تشکیل داده بودند، کشته شدند و این موضوع ضربه سنگینی بر هیمنه نظامی واشنگتن به شمار می‌رفت که تنها راه‌حل فوری برای آن افزایش ضربت نفوذ رسانه‌های آنها در مقیاس گسترده بود. اما نکته مهم و جالب توجه این است که قبل از آنکه نیروهای ایالات متحده وارد عراق شوند اتاق فکر مرکب عملیات عراق متشکل از نمایندگان وزارت خارجه آمریکا، سازمان سیا، نماینده پنتاگون، خزانه‌داری، هیات نظارت بر رسانه‌های بین‌المللی آمریکا (BBG) و کاخ سفید پس از ماه‌ها بررسی و تشکیل جلسات متعدد، اقدام به تهیه پروتکل مینا کردند که در آن مشخص شد قبل از حمله آمریکا به عراق باید تیم‌های متعددی از بهترین مدیران و خبرنگاران عرصه رسانه با اخذ پوشش وارد خاک عراق شوند و ...

ادامه در صفحه ۵

ادامه در صفحه ۵

یادداشت امروز

مقصری که هیچ‌گاه پاسخگو نیست!

■ حسن رضایی

تاریخ به مامی گوید جام جهانی فوتبال، معمولا پوششی برای جنایات چاقو‌کشان کراوات پوش در واشنگتن، لندن، پاریس و تل آویو بوده و هست. بر این اساس، فوتبال همانقدر که می‌تواند حال ما را خوب کند و به گواه شادی‌های جمعه‌شب عالی کند، می‌تواند ترسانک و خونین هم باشد! واری خیانت چاقو‌کشان، این اما هنری یگانه است که بتوانی حدود ۷ میلیارد جمعیت کره زمین را در عصر اطلاعات دور بزنی و در بزنگاهی چون جام جهانی، چاقو‌کشی‌ات را بکنی و بعد جلوی همه، نوای «وا حقوق بشر! هم سر دهی!» غربی‌ها ما چند قرن است در پیش گرفتن چنین رویکردی را با تکیه بر آرای غیرانسانی امثال ماکیاوولی، تمرین کرده و در آن سرآمد شده‌اند. ماحصل چنین واقعیات تلخی، خلق تناقض‌هایی از این دست است که عربستان سعودی، رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل‌شان می‌شود، یا اینکه فرانسه با تاریخی سراسر کشتار و استعمار، به مردم مستعمرات دیروز تحت عنوان سمبل آزادی معرفی می‌شود!

شاگردان دست‌آموز غربی‌ها در اینجا اما هنر کمتری از اربابان خود بروز نمی‌دهند. آنها قادرند هم‌زمان در فضاهای مختلف به چندزیستی خود ادامه دهند، بدون آنکه عاقبت معلوم شود شتر بوده‌اند یا مرغ؟! خدا بیامرز آقای هاشمی را، به جد معتقد بود «دکتر روحانی یک هفته قبل از انتخابات ۳،۹۲ درصد رأی داشت که با حمایت من به بالای ۵۰ درصد رفت!» من البته آنقدر بخشنده نیستم که نقش آن مرحوم را اینقدر پررنگ تصور کنم. نقش محمد خاتمی در شکل‌گیری دولت حسن روحانی را نباید کمتر از هاشمی دانست. حالا این روزها اما کسی از خاتمی خبری نمی‌شنود! گویی او را تنها برای مطالبه آفریده‌اند، نه پاسخگویی! او تنها به آمدن از پس برده برای «تکرار» عادت دارد و هنگام مطالبه و انتقاد از «تکرار شده» و پذیرفتن خطای خود در غیبت کبرا است! علاوه بر این، درست از پس از انتخابات ۹۶ برخی اصلاح‌طلبان مکرر سعی داشته‌اند اسحاق جهانگیری را وادار به استعفا کنند تا کلاً فاکتور دولت روحانی، به پای اصلاحات سیاهه نشود!

چنین مواجحه غیرصادقانه‌ای با جامعه حتما از چشم‌ها پنهان نمی‌ماند و مردم نقش خاتمی و دوستانش در شکل‌گیری کلید روحانی، برجام، رکود، بتن ریختن در قلب راکتور اراک، تعطیلی کارخانه‌ها و نابسامانی بازار ارز، سکه، خودرو و... را فراموش نمی‌کنند. مسأله اصلی اما چیز دیگری است و آن را می‌توان «مسؤولیت‌گریزی اجتماعی» محمد خاتمی طی چند دهه اخیر دانست. چنانکه سمپات‌هایش دوست دارند، اگر خاتمی را شخصیتی دارای استقلال نظر و پایه‌گذار چیزی به نام اصلاح‌طلبی در ایران بدانیم هم، باز این ایراد اساسی به او وارد است که هنوز تعریف دقیقی از اصلاح‌طلبی به مخاطبان خود ارائه نکرده است. خاتمی روزی جامعه مدنی مدنظرش را همان مدینه‌النبی می‌نامید و روزی دیگری می‌گفت: «اگر دین در برابر آزادی قرار گیرد، این دین است که باید محدود شود نه آزادی!»

خاتمی در جایی دیگر می‌گوید: «در زندگی قومی که عزم تعالی و پویایی کرده است هیچ تحول کارساز ی‌پدید نخواهد آمد مگر آنکه از متن تمدن غرب بگذرد!» خاتمی طی ۸ سال دوران اصلاحات هم، نه غذا را می‌خورد، نه از سر سفره بلند می‌شد! رئیس دولت اصلاحات طی دوران یادشده، نه مسؤولیت اقدامات دوستانش را به طور علنی می‌پذیرفت و نه به طور علنی از آنها ابراز پراشت می‌کرد. او سنال ۸۸ هم ابتدا «مدعای تقلب» را مطرح کرد و بسیاری از جوانان کشور را به جان هم انداخت، بعدا مادر خفا از این ادعا عقب‌نشینی کرد اما هیچگاه حاضر نشد علنا بگوید دروغ گفته و مردم را بر پایه یک دروغ بزرگ دچار یک شکاف اجتماعی عمیق کرده است و در نخستین انتخابات مجلس پس از خرداد ۸۸ هم شرکت پرشوری از خود نشان داد! نتیجه چنین رویکردهای متناقضی از سوی این فرد، همین شده که علاوه بر آنکه عمده عمل‌های رسانه‌های فارسی آمریکا و انگلیس، پیشینه اصلاح‌طلبی دارند، شخصی چون هاشمی‌طبا هم مدعای اصلاح‌طلبی داشته و برای‌مان «ما گل‌های خندانیم» می‌خواند!

ادامه در صفحه ۵